

پروانه‌های تنها

سروده

بهنام رکن‌الدینی قلعه‌دژ

رکن الدینی قلعه دژ، بهنام، ۱۳۶۵ -
پروانه‌های تنها / بهنام رکن الدینی قلعه دژ.
قم: اشک یاس، ۱۳۸۹
۸۸ ص. ۱۵۰۰ ریال
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
شعر فارسی - - قرن ۱۴
رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ پ ۴ ۷۷ ک / ۸۰۷۵ PIR
رده بندی دیویی ۱/۶۲ فا ۸
کتابشناسی ملی: ۱۸۹۱۲۸۵



پروانه‌های تنها

سروده: بهنام رکن الدینی قلعه دژ
ناشر: اشک یاس □ چاپخانه: زلال کوثر
قطع و نوبت چاپ: رقعی / اول - ۱۳۸۹
صفحه‌آرایی: عبدالمجید طوبائی
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۸۶۴-۷۴-۸

• مرکز پخش:

قم: خیابان شهدا، کوچه ۳۲، فرعی اول سمت چپ، پلاک ۱۳۸
«انتشارات اشک یاس» تلفن: ۰۹۱۲۷۵۱۱۰۵۴ - ۷۷۳۵۰۰۳
تماس با مؤلف: ۰۹۱۶۳۳۲۱۴۰۳

فهرست مطالب

۲۵	آزادی	مقدمه به نام یگانه معبود عابدان
۲۷	خدا حافظی	و عاشقان
۲۹	سرما	الهه عشق
۳۰	رؤیا	مرا ببخش
۳۲	باغ نگاه	نا باوری
۳۳	امیدی نو	یادگاری
۳۵	نیاز	سؤال بی جواب
۳۷	غرور	ورود عشق
۳۸	احساس	آرزو
۴۰	خاطره	انتظار
۴۱	امواج عشق	تنهایی
۴۲	رد پا	یادی از گذشته
۴۴	چشمه‌ای تنها	بی تاب
۴۶	قاضی محاکمه	امید
۴۸	التماس	کابوس
۵۰	حکایت دل	حسرت

۷۲ نام تو.....	۵۳ اندوه بار تنهایی.....
۷۴ کبوتر دلباخته.....	۵۵ تقدیر عشق.....
۷۵ فریاد زیر آب.....	۵۷ چشم به راه.....
۷۷ فرصتی دوباره ...	۵۹ سرنوشت ...
۷۹ نامهربانی.....	۶۱ مسافر ...
۸۱ مهمان	۶۳ خونین دل.....
۸۳ استقامت.....	۶۵ رهگذر.....
۸۶ خوشبختی.....	۶۶ نغمه رویا.....
۸۸ وداع	۶۸ دل‌تنگی ...
	۷۰ تشنهٔ محبت ...



مقدمه به نام یگانه معبود عابدان و عاشقان

این دفتر هدیه کوچکی است به تمامی عاشقان، به عاشقانی که عشق و محبت را چون مروارید به درون صدف احساسات جای داده‌اند و خواهند داد و عشق را بر نام و یاد گنبد دوار به یادگار خواهند گذاشت.

این دفتر حکایت از عشق جوانی دارد که روزگاری پس از گذراندن روزگار خوش جوانی در کنار معشوق خویش ناخواسته لطافت روحش را به زنجیر می‌کشاند و پس از آزادیش خود را اسیر در زندان عشقش می‌بیند و لحظاته‌اش را همراه با نام و یادش سپری می‌کند و در راه این فراغ قلمی ز غم هجران از بخشش تا امیدی نو بر برگ سفید عالم به تصویر می‌کشاند و تصویری از زیبایی و لطافتش بر لوح دل خویش به یادگار حک می‌کند و پاییز را به

فراموشی می‌سپارد تا بتواند به گرمی بخشش بهار را برایش به
ارمغان آورد و امیدش را همچون قایقی همراه با تک سواری عاشق
به سوی غروبی دل‌انگیز در دریایی از احساسات رها می‌کند تا که
باز یابد معشوق خویش را، تا که معشوق عاشق را همچون کبوتری
خوشبخت در آسمان نگاهش به پرواز درآورد و احساساتش را در
قاب کوچکی در درون قلبش به یادگار بگذارد.

بهنام رکن‌الدینی قلعه دژ